

کتاب دانیال - شماره شش

یهویا قیم

Jeff Pippenger

2023-12-01

کتاب‌های دانیال و مکاشفه یوحنا در حکم یک کتاب‌اند، به همان معنایی که کتاب مقدس یک کتاب است که از عهد عتیق و عهد جدید تشکیل شده است.

تاریخ زندگانی، مرگ و رستاخیز عیسی، به‌عنوان پسر خدا، بدون شواهد موجود در عهد عتیق به‌طور کامل قابل اثبات نیست. مسیح در عهد عتیق به همان روشنی عهد جدید آشکار است. یکی از نجات‌دهنده‌ای که خواهد آمد شهادت می‌دهد، و دیگری از نجات‌دهنده‌ای که مطابق آنچه انبیا پیشگویی کرده بودند آمده است. برای درک طرح رستگاری، کتب عهد عتیق باید به‌طور کامل فهمیده شوند. این نور پرشکوه گذشته نبوی است که زندگی مسیح و تعالیم عهد جدید را با وضوح و زیبایی آشکار می‌سازد. معجزات عیسی دلیل الوهیت او هستند؛ اما قوی‌ترین ادله بر اینکه او رهایی‌بخش جهان است، در نبوت‌های عهد عتیق، در مقایسه با تاریخ عهد جدید، یافت می‌شود. عیسی به یهودیان گفت: «کتاب‌ها را تفحص کنید؛ زیرا می‌پندارید که در آنها حیات جاودان دارید، و همان‌ها هستند که درباره من شهادت می‌دهند.» در آن زمان جز نوشته‌های عهد عتیق، کتاب دیگری در میان نبود؛ پس فرمان نجات‌دهنده روشن است. روح نبوت، جلد ۳، صفحه ۲۱۱.

قوی‌ترین دلیل بر اینکه مسیح کیست و چیست، زمانی آشکار می‌شود که نبوت‌های عهد عتیق با تحقق آن‌ها در تاریخ عهد جدید مقایسه شوند. همین امر درباره رابطه کتاب‌های دانیال و مکاشفه نیز صادق است.

"در مکاشفه، همه کتاب‌های کتاب مقدس به هم می‌پیوندند و خاتمه می‌یابند. اینجا مکمل کتاب دانیال است. یکی نبوت است؛ دیگری مکاشفه." اعمال رسولان، ۵۸۵.

واژه "complement" به معنای «به کمال رساندن» است. تحقق پیشگویی‌های عهد عتیق "قوی‌ترین" دلیل بر "الوهیت" مسیح بود. قوی‌ترین دلیل بر الهی بودن پیشگویی‌های کتاب دانیال، تحقق آن پیشگویی‌هاست چنان‌که در کتاب مکاشفه نمایان شده است. پیشگویی‌های کتاب دانیال در کتاب مکاشفه ادامه می‌یابند و در روزهای آخر، هنگامی که مکاشفه عیسی مسیح مهرش گشوده می‌شود، به کمال می‌رسند.

کتاب مکاشفه کتابی مَهر و موم‌شده است، اما در عین حال کتابی گشوده نیز هست. در آن رویدادهای شگفت‌آوری ثبت شده که قرار است در واپسین روزهای تاریخ این زمین رخ دهد. تعالیم این کتاب روشن و قطعی‌اند، نه رازآلود و نامفهوم. در آن همان خط سیر نبوت پی گرفته می‌شود که در دانیال هست. خدا برخی از نبوت‌ها را تکرار کرده است و بدین‌سان نشان می‌دهد که باید به آنها اهمیت داده شود. خداوند چیزهایی را که اهمیت چندانی ندارند تکرار نمی‌کند. انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۹، ۸.

در سال سوم سلطنت یهوایا قیم، پادشاه یهودا، نبوکدنصر، پادشاه بابل، به اورشلیم آمد و آن را محاصره کرد. دانیال ۱:۱.

آیه نخست کتاب دانیال، اگر به‌درستی مورد بررسی قرار گیرد، سرشار از اطلاعات نبوی است. بررسی خود را با یهوایا قیم آغاز می‌کنیم.

یهویا قیم نخستین سه پادشاه پایانی یهودا بود. از این رو او نمایانگر پیام فرشته اول است. پسرش یهو یاکین که با نام‌های یکنیا یا کنیا نیز شناخته می‌شد، نمایانگر پیام فرشته دوم بود. پس از یهو یاکین، صدقیا آمد که آخرین آن سه پادشاه پایانی یهودا بود. صدقیا نمایانگر پیام فرشته سوم است. شواهد نبوی متعددی وجود دارد که تأیید می‌کنند یهو یاقیم نمادی از پیام فرشته اول است. درک این دلایل مهم است، زیرا نشان می‌دهند که آیه نخست فصل اول دانیال در حال معرفی پیام فرشته اول است، و این واقعیت همچون لنگری است که امکان می‌دهد فصل اول به عنوان پیام فرشته اول مکاشفه چهارده فهمیده شود. از دوم تواریخ آغاز می‌کنیم.

و آنان را که از تیغ شمشیر رسته بودند، به بابل به اسیری برد؛ و در آنجا تا سلطنت پادشاهی فارس، بندگان او و پسرانش بودند؛ تا کلام خداوند که از زبان ارمیا گفته شده بود تحقق یابد، زمین از سبت‌های خود برخوردار شود؛ زیرا در تمام روزهای ویرانی خود سبت نگاه داشت تا هفتاد سال به کمال رسد. دوم تواریخ 20:36، 21.

اسارت هفتادساله در بابل برای این بود که زمین بتواند از سبت‌هایی که مطابق با لایوان باب بیست و پنجم به جا آورده نشده بودند بهره‌مند شود. هفتاد سال سبت‌ها معادل چهارصد و نود سال است که اسرائیل باستان دستور لایوان باب بیست و پنجم را نادیده گرفته بود. چهارصد و نود سال نافرمانی پیش از هفتاد سال اسارت بود. در پایان آن چهارصد و نود سال، سه پادشاه به دست نبوکدنصر به اطاعت درآورده شدند.

در پایان هفتاد سال اسارت، خداوند کوروش را برانگیخت؛ او نخستین آن سه پادشاه بود که فرمان داد اسرائیل بازگردد و اورشلیم را بازسازی کند. اردشیر سومین آن سه پادشاه بود و سومین فرمان را در سال ۴۵۷ پیش از میلاد صادر کرد. سومین فرمان آغازگر دوهزار و سیصد سال دانیال باب هشتم، آیه چهاردهم بود. در سال ۱۷۹۸، نخستین پایان غضب فرا رسید، کتاب دانیال از مهر گشوده شد و نخستین آن سه فرشته رسید. فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ رسید.

سه پادشاه آخر یهودا همگی با نبوکدنصر روبه‌رو شدند، و با اسارت یهو یاقیم، آن هفتاد سال آغاز شد. این دوره تا نابودی بابل ادامه یافت، و سرداری (کوروش) که بابل را نابود کرده بود و اندکی بعد پادشاه شد، نخستین سه فرمان را صادر کرد. فرمان سوم، نبوت شام‌ها و بامدادها را آغاز کرد که با فرارسیدن سومین آن سه فرشته پایان یافت. مسیح همواره پایان را با آغاز یکی می‌داند.

آغاز هفتاد سال با نخستین یورش نبوکدنصر به اورشلیم رخ داد. پایان هفتاد سال با نابودی بابل رقم خورد. ویرانی نهایی و کامل اورشلیم در زمان سومین آن سه پادشاه روی داد که هر سه مورد یورش نبوکدنصر قرار گرفته بودند. ویرانی اورشلیم تدریجی بود. سه پادشاه آخر یک نماد نبوی واحد را نمایندگی می‌کردند، از آن جهت که هر سه مورد حمله نبوکدنصر قرار گرفته بودند. آنان نمونه سه فرمانی بودند که در مجموع یک نماد واحد به شمار می‌آمدند؛ همان‌گونه که سه فرشته در پایان دو هزار و سیصد روز چنین بودند.

«در باب هفتم عزرا، فرمان یافت می‌شود. آیات ۱۲-۲۶. این فرمان در کامل‌ترین صورت خود به وسیله اردشیر، پادشاه فارس، در سال ۴۵۷ پیش از میلاد صادر شد. اما در عزرا ۶:۱۴ گفته شده است که خانه خداوند در اورشلیم «برحسب فرمان [«حکم»، در حاشیه] کوروش و داریوش و اردشیر، پادشاه فارس» بنا شد. این سه پادشاه، با آغاز کردن، تأیید مجدد کردن، و کامل ساختن فرمان، آن را به کمالی رساندند که نبوت برای مشخص ساختن آغاز ۲۳۰۰ سال اقتضا می‌کرد. با در نظر گرفتن سال ۴۵۷ پیش از میلاد، یعنی زمانی که فرمان کامل شد، به عنوان تاریخ حکم، آشکار شد که هر جزء از مشخصات نبوت درباره هفتاد هفته تحقق یافته بود.» جدال عظیم، ۳۲۶.

خواهر وایت تصریح می‌کند که سه فرمان برای آنکه آن پیشگویی به کمال برسد ضروری بودند. او رابطه آنها را با یکدیگر تعریف می‌کند و بدین ترتیب ویژگی‌های دستوری واژه عبری «حقیقت» را مشخص می‌سازد. او می‌گوید فرمان نخست آغازگر بود، فرمان دوم دوباره تأیید کرد، و فرمان سوم «هر مشخصه پیشگویی درباره هفتاد هفته» را به کمال رساند. واژه عبری «حقیقت» از ترکیب حرف نخست، سیزدهم و آخر الفبای عبری ساخته شده است. فرمان نخست آغازگر بود، دومی دوباره تأیید کرد و آخرین فرمان آن پیشگویی را کامل کرد. این سه فرمان امضای آلفا و امگا را بر خود دارند، و در پایان پیشگویی هفتادساله اسارت در بابل تحقق یافتند، هرچند فرمان سوم مدت‌ها پس از پایان آن هفتاد سال رسید. آن سه فرمان تدریجی بودند، و با اینکه سه فرمان بودند، همچنان یک نماد نبوی واحد به شمار می‌آمدند.

فرشته نخست در سال ۱۷۹۸ رسید، فرشته دوم در بهار ۱۸۴۴ رسید، و فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ رسید. آن سه فرشته یک نماد نبوی واحدند که نمایانگر بشارت جاودانی فصل چهاردهم مکاشفه است.

پیام‌های اول و دوم در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ اعلام شدند، و اکنون در دوره اعلام پیام سوم هستیم؛ اما هر سه پیام هنوز باید اعلام شوند. همان قدر که پیش‌تر ضروری بود، اکنون نیز لازم است این پیام‌ها برای کسانی که در جست‌وجوی حقیقت‌اند تکرار شوند. ما باید با قلم و زبان آن را اعلام کنیم، ترتیب آن‌ها را نشان دهیم و انطباق نبوت‌هایی را که ما را به پیام فرشته سوم می‌رسانند بیان کنیم. بدون اول و دوم، سومی نمی‌تواند وجود داشته باشد. این پیام‌ها را باید از طریق نشریات و سخنرانی‌ها به جهان ارائه کنیم و در مسیر تاریخ نبوی، آنچه بوده و آنچه خواهد بود را نشان دهیم. پیام‌های برگزیده، جلد دوم، صفحات ۱۰۴ و ۱۰۵.

سه پادشاه آخر یهودا یک نماد بودند، زیرا همگی در درجات گوناگون زیر سلطه پادشاه بابل درآمدند. سه پادشاه آخر یهودا، سه فرمان و سه فرشته، با اینکه به‌وضوح سه هستند، نیز به‌صورت یک نماد نبوی واحد نشان داده می‌شوند.

سه پادشاه آخر بخشی از چارچوب نبوتی آغاز نبوت هفتاد سال اسارت‌اند، و از این رو آنان بخشی از آغازی می‌شوند که پایان هفتاد سال اسارت را ترسیم می‌کند. اسارت با به انقیاد درآمدن تدریجی سه پادشاه آغاز شد و با نابودی پادشاهی و پایتخت آن پایان یافت. پایان این نبوت با نابودی ملت و پایتخت بابل مشخص می‌شود، و این رخداد فرا رسیدن سه فرمان پیاپی را نشان می‌دهد. آغاز نبوت دوهزار و سیصد ساله با سه فرمان پیاپی مشخص می‌شود، و این آغاز پایان همان نبوت دوهزار و سیصد ساله را که از سه پیام پیاپی تشکیل شده است، نشان می‌دهد.

سه فرشته و سه پیام مربوط به آنان، به‌وسیله سه پادشاه و سه فرمان پیاپی آنان نمادین شده بودند. سه پادشاهی که هر یک فرمان مربوط به خود را اعلام کردند، خود به‌وسیله سه پادشاه پیاپی نمادین شده بودند که هر یک پیام‌های سرکشی خود را علیه بخت‌نصر بیان کرده بودند. سه پیام سرکشی، نمونه سه فرمان بودند و آن سه فرمان نیز به نوبه خود نمونه سه پیام شدند. یکی، نبوت هفتاد ساله را آغاز می‌کند؛ آن هم به نوبه خود با آغاز نبوت ۲۳۰۰ ساله پایان می‌یابد؛ و آن نبوت در سال ۱۸۴۴ با رسیدن فرشته سوم به پایان می‌رسد. آن هفتاد سالی را که زمین می‌بایست سبت خود را نگاه دارد، نمی‌توان از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ جدا کرد.

یهویاقیم نمایانگر نخستین فرمان کوروش و نیز پیام فرشته نخست در فصل چهاردهم مکاشفه است. فراتر از این، سه شاهد مربوط به سه پادشاه آخر یهودا، سه فرمان و پیام‌های سه فرشته، اطلاعات دقیقی درباره نماد یهویاقیم ارائه می‌کنند، زیرا تاریخ نبوی سه فرشته به‌وسیله الهام بسیار دقیق مشخص شده است. هر سه پیام یک ظهور تاریخی و سپس یک قدرت‌یابی تاریخی دارند.

فرشته نخست در سال ۱۷۹۸ رسید و در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ با تأیید اصل «یک روز برابر با یک سال» قدرت یافت.

"در سال ۱۸۴۰ تحقق چشمگیر دیگری از پیشگویی، علاقه گسترده‌ای را برانگیخت. دو سال پیش از آن، جوسایا لیچ، یکی از کشیشان برجسته مبلغ ظهور دوم، شرحی بر مکاشفه باب ۹ منتشر کرد و در آن سقوط امپراتوری عثمانی را پیش‌بینی نمود. بر اساس محاسبات او، این قدرت قرار بود ... در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ سرنگون شود، زمانی که انتظار می‌رود قدرت عثمانی در قسطنطنیه درهم شکسته شود. و این، به باور من، ثابت خواهد شد که چنین است."

دقیقاً در زمان تعیین‌شده، ترکیه از طریق سفیرانش حمایت قدرت‌های متحد اروپا را پذیرفت و بدین‌سان خود را زیر کنترل کشورهای مسیحی قرار داد. این رویداد پیشگویی را به‌طور دقیق تحقق بخشید. هنگامی که این امر آشکار شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوتی که میلر و همکارانش برگزیده بودند قانع شدند، و جنبش ظهور نیروی محرکه‌ای شکفت‌انگیز یافت. مردانی دانشمند و صاحب‌منصب با میلر متحد شدند، هم در موعظه و هم در انتشار دیدگاه‌های او، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ کار به‌سرعت گسترش یافت. مناقشه بزرگ، ۳۳۴، ۳۳۵.

فرشته اول در سال ۱۷۹۸ رسید و گشایش داوری را اعلام کرد، اما پیام بر اعتبار تشخیص ویلیام میلر استوار بود مبنی بر این‌که یک روز در نبوت‌های کتاب مقدس نماینده یک سال است. آن اصل در «یازدهم اوت ۱۸۴۰» تأیید شد و پیام نخست قدرت یافت. با ناکامی پیش‌گویی بازگشت مسیح در سال کتاب مقدسی ۱۸۴۳ که تا سال ۱۸۴۴ امتداد یافت، فرشته دوم باب چهاردهم مکاشفه رسید. ناکامی آن پیش‌گویی در بهار ۱۸۴۴، کلیساهای پروتستان قاعده میلر، یعنی یک روز به ازای یک سال، را رد کردند و دختران بابل شدند. آن پیام پس از آن در تابستان ۱۸۴۴، هنگامی که با پیام «فریاد نیمه‌شب» همراه شد، تقویت شد. با تحقق پیام «فریاد نیمه‌شب» در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، فرشته سوم با پیام خود رسید.

به‌سبب نافرمانی ادونتیسیم لاودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳، قوم خدا مأمور شدند تاریخ سرگردانی اسرائیل باستان در بیابان را تکرار کنند. قدرت یافتن پیام سوم می‌بایست تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منتظر بماند. هر یک از سه پیام در تاریخ فرا می‌رسند و سپس قدرت می‌یابند.

یهویاقیم و کوروش نمایانگر قدرت‌بخشی فرشته اول‌اند، نه آمدن آن. هرچند یهویاقیم نخستین سه پادشاه پایانی یهودا بود و هرچند او نماینده پیام فرشته اول است، ویژگی‌های نبوی‌ای که او و همچنین کوروش از خود نشان می‌دهند، حاکی از آن است که هر دو نماد قدرت‌بخشی فرشته اول‌اند، نه نماد آمدن فرشته اول. آمدن پیام اول در تاریخ یهویاقیم منسی بود، نخستین هفت پادشاه پایانی یهودا.

پیش از نابودی کامل و نهایی اورشلیم، هفت پادشاه حکومت می‌کردند. آن هفت پادشاه نمایانگر تاریخی پیش‌رونده‌اند، همان‌گونه که تاریخی که از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ نمادش بودند نیز چنین بود. فرشته نخست در ۱۷۹۸ ظاهر شد و فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ظاهر شد. تاریخ ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، تاریخ فرشتگان نخست و دوم است. تاریخ فرشته سوم از ۱۸۴۴ آغاز شد. هنگامی که خواهر وایت نمادپردازی هفت رعد باب دهم مکاشفه را مشخص می‌کند، می‌گوید هفت رعد نمایانگر تاریخ فرشتگان نخست و دوم‌اند، اما نه فرشته سوم.

"نور ویژه‌ای که به یوحنا داده شد و در هفت تندر بیان شده بود، ترسیمی از رویدادهایی بود که قرار بود در چارچوب پیام‌های فرشته اول و دوم رخ دهد." تفسیر کتاب مقدس ادونتیس‌های روز هفتم، جلد ۷، ۹۷۱.

تاریخ هفت رعد باب دهم مکاشفه بر تاریخ قدرت‌یابی فرشته نخست در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا «ناامیدی بزرگ» در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تأکید می‌کند، اما با این همه، کل تاریخ فرشتگان اول و دوم را نیز در بر می‌گیرد. کاربرد کلی هفت رعد این است که نمایانگر دوره ۱۷۹۸ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ است. تاریخ آمدن فرشته نخست از ۱۷۹۸ تا «ناامیدی بزرگ»، همان تاریخ فرشتگان اول و دوم است و از نظر نبوی به صورت «هفت رعد» تصویر شده است. هفت رعد همچنین به وسیله هفت پادشاه آخر یهودا تمثیل شده‌اند. سه پادشاه آخر از آن هفت پادشاه، نه تنها پادشاهانی پی‌درپی بودند، بلکه در کنار هم نمادی واحد را می‌سازند که از اجزای نخست، میانی و آخر تشکیل شده است.

در تاریخ پیام‌های سه فرشته، پیام نخست در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ قدرت یافت و هر دو، یهوایقیم و کوروش، نماد آن رویداد بودند.

ما در مقاله بعدی به شناسایی این مهم‌ترین حقایق ادامه خواهیم داد.

هر دانشجویی باید درستکاری خلل‌ناپذیر را گرامی بدارد. هر ذهنی باید با توجهی آکنده از حرمت به کلام مکشوف خدا روی آورد. نور و فیض به کسانی عطا خواهد شد که بدین‌سان از خدا اطاعت می‌کنند. آنان شگفتی‌هایی را از شریعت او خواهند دید. حقایق عظیمی که از روز پنتیکاست بی‌اعتنا و نادیده مانده‌اند، قرار است با خلوص اصیل خود از کلام خدا بدرخشند. برای آنان که حقیقتاً خدا را دوست دارند، روح‌القدس حقایقی را که از ذهن محو شده‌اند آشکار خواهد کرد، و همچنین حقایقی را که کاملاً تازه‌اند آشکار خواهد کرد. آنان که گوشت پسر خدا را می‌خورند و خون او را می‌نوشند، از کتاب‌های دانیال و مکاشفه حقایقی الهام‌شده از روح‌القدس بیرون خواهند آورد. آنان نیروهایی را به حرکت در خواهند آورد که سرکوب‌ناپذیرند. لب‌های کودکان گشوده خواهند شد تا اسراری را اعلام کنند که از اذهان آدمیان پنهان بوده است. خداوند چیزهای بی‌خرد این جهان را برگزیده است تا خردمندان را شرمسار سازد، و چیزهای ضعیف جهان را برگزیده است تا نیرومندان را شرمسار سازد.

"کتاب مقدس را نباید به مدارس ما آورد تا در لابه‌لای بی‌ایمانی قرار بگیرد. کتاب مقدس باید بنیان و محور آموزش قرار گیرد. درست است که ما امروز از کلام خدای زنده بسیار بیش از گذشته می‌دانیم، اما هنوز چیزهای بسیار برای آموختن باقی است. باید همچون کلام خدای زنده به کار رود و در همه چیز به‌عنوان نخستین، آخرین و بهترین ارج نهاده شود. آنگاه رشد حقیقی روحانی دیده خواهد شد. دانش‌آموزان شخصیت دینی سالمی خواهند یافت، زیرا از تن پسر خدا می‌خورند و خون او را می‌نوشند. اما اگر مراقبت و پرورش صورت نگیرد، سلامت جان رو به زوال می‌رود. در مسیر نور بمانید. کتاب مقدس را مطالعه کنید. کسانی که با وفاداری خدا را خدمت می‌کنند، برکت خواهند یافت. او که هیچ کار وفادارانه‌ای را بی‌پاداش نمی‌گذارد، هر عمل وفاداری و راستی را با نشان‌های ویژه محبت و خشنودی خود تاج خواهد نهاد." ریویو و هرالده، ۱۷ اوت ۱۸۹۷.